دوستی با سارقان کاردست موتورسوار داد

دندانساز| ساعت به نیمه شب نزدیک می شد که سه مرد جوان، سراسیمه خود را به پاسگاه انتظامی سد کارده رساندند. آن ها خبر دادند که یک دستگاه موتورسیکلت در محدوده روستای کوشک آباد به سرقت رفته است. موتوری طرح هوندا که متعلق به یکی از آن ها بود. نگرانی در چهره جوان هجده ساله که صاحب موتور بود، موج می زد. چطور امکان داشت موتورسیکلتش در باغ ویلا به سرقت رفته باشد، درحالی که فضا کاملا امن بود و حواسشان هم به همه چیز بوده و هیچ اتفاق مشکوکی دوروبرشان رخ نداده بود.

دوستانش نیز به سؤال های مأموران پاسگاه جواب می دادند. این دو دوست، جوان مال باخته را به ویلا دعوت کرده و هر سه همراه باهم و با موتورهایشان برای آخر هفته راهی باغ ویلا شده بودند که در زمان بازگشت متوجه می شوند یکی از موتورسیکلت ها نیست، اما در همین پرسش وپاسخ های بین مأموران و جوانان بود که موضوعی نظر مأموران پاسگاه سدکارده را جلب کرد. موضوعی که از راز این سرقت پرده برمی داشت.

جانشین فرمانده انتظامی مشهد در تشریح جزئیات این پرونده گفت: یکی از مأموران پاسگاه با مشاهده این افراد، به یکی از دوستان مال باخته مظنون شد و باتوجه به تناقض گویی های او و دوستش تحقیقات فنی را آغاز کرد. این تحقیقات نشان می داد که با فردی سابقه دار روبه رو هستند.

سرهنگ عباسعلی دهقانی افزود: مظنون به سرقت که در ابتدا منکر هرگونه جرمی بود، در رویارویی با سؤالات فنی پلیس، چاره‌ای جز بیان حقیقت ندید و اعتراف کرد که در حق دوستش نامردی کرده اند.

به‌گفته این مسئول انتظامی، این افراد با هدف سرقت، دوست جوانشان را به باغ ویلا کشانده بودند و در اقدامی ناجوانمردانه قصد سرقت موتورسیکلتش را داشتند. آن ها در ساعات اولیه شب با همدستی یکدیگر موتور هوندا را از باغ خارج و آن را در حمام قدیمی روستا مخفی می‌کنند.

جانشین فرمانده انتظامی مشهد با اشاره به کشف موتورسیکلت مسروقه بیان کرد: دو متهم به سرقت، در ادامه تحقیقات باتوجه به گزارش چند فقره سرقت منزل و باغ ویلا در حوزه استحفاظی پاسگاه سدکارده به هفت فقره سرقت دیگر نیز اعتراف کردند. متهمان پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به دادسرا معرفی شدند.

نقاشی پشت کاپشن، زورگیر را لو داد

ابوعطا| مأموران شک داشتند که دو جوان نشسته در فضای سبز در حوالی خیابان پنج تن همان متهمان تحت تعقیبشان باشد. طبق اظهارات زنی که گوشی اش زورگیری شده بود، سرنشینان موتورسیکلت هر دو جوان بودند و مشخصاتی که داده بود، با مشخصات این افراد مطابقت داشت. با این حال مأموران نمی توانستند بی‌گدار به آب بزنند و درست زمانی که باید تصمیم نهایی را می‌گرفتند، یکی از این جوان ها بدون اینکه بداند زیرنظر مردان قانون قرار گرفته است، ناگهان پشتش را به مأموران کرد و نقاشی کودکی در پشت کاپشنش هویدا شد. این همان تصویری بود که مال باخته آن را با جزئیاتش به ذهن سپرده و به عنوان سرنخ در اختیار مأموران گذاشته بود. این‌گونه افسران پلیس مطمئن شدند که سوژه شان را به درستی شناسایی کرده اند. آن هم فقط ۱۰ دقیقه پس از سرقت.

ساعت ۱۷:۱۰ شب بود که زورگیری گوشی تلفن همراه زنی جوان مقابل ایستگاه قطار شهری ابتدای بولوار طبرسی شمالی، به پلیس ۱۱۰ گزارش شد. با دستور سرهنگ احمد نگهبان، رئیس پلیس مشهد که پیگیری سرقت گوشی های تلفن همراه را در اولویت اقدامات پلیسی مشهد قرار داده است، گروهی از افسران کلانتری پنج تن مأمور رسیدگی فوری و قاطع به این پرونده شدند.

مأموران در همان لحظات ابتدایی خود را به محل جرم رساندند و پس از ثبت اظهارات شاکی، طرح مهار را در قالب تیم های محسوس و نامحسوس در همان منطقه به اجرا درآوردند. کمتر از ۱۰ دقیقه بعد مأموران این کلانتری موفق به شناسایی متهمان در همان حوالی شدند.

درست در لحظه ای که مأموران به قصد دستگیری متهمان وارد عمل شدند، یکی از این افراد که زودتر متوجه حضور پلیس شده بود، به سرعت روی موتورسیکلت پرید و از محل گریخت. اما مأموران متهمی را که کاپشن با نقاشی کودک به تن داشت دستگیر کردند. افسران کلانتری پنج تن در بازرسی بدنی از متهم، دو تلفن همراه مسروقه و یک چاقو کشف کردند.

با انتقال متهم به کلانتری و اجرای طرح رویارویی حضوری، از تعدادی مال باخته برای شناسایی متهم دعوت شد. با حضور پنج شهروند که در هفته های قبل از آن ها زورگیری شده بود، این افراد که نقاشی پشت کاپشن متهم را به خاطر سپرده بودند، او را شناسایی کردند.

مأموران که با تعدادی پرونده سرقت تلفن همراه در محدوده استحفاظی خود روبه رو بودند و شگرد به‌کارگرفته در این پرونده ها با سرقت های صورت‌گرفته از سوی متهم دستگیرشده یکی بود، اقدامات لازم را به منظور کشف دیگر سرقت های احتمالی آغاز کردند.

افسران کلانتری پنج تن، اقدامات فنی خود را در این پرونده آغاز کردند و موفق به استخراج تصاویر متهمان در تعداد زیادی پرونده شدند. این تصاویر به خوبی نقش متهم و دیگر همدستش را نشان داد، به‌گونه ای که متهم در برابر این تصاویر هیچ راهی جز اعتراف نداشت و درنهایت به ۲۶ فقره موبایل قاپی و کیف قاپی در سه ماه گذشته در محدوده مکان های شلوغ نظیر ایستگاه های اتوبوس، قطار شهری و مدارس محدوده شرق و شمال شرق مشهد اعتراف کرد.

در ادامه با هماهنگی قضایی تحقیقات از متهم برای کشف دیگر جرائم احتمالی و همچنین شناسایی و دستگیری همدستش به همراه افراد مال خر فعال در این پرونده در پلیس آگاهی مشهد آغاز شد.

اعترافات جدید نامادری در تازه ترین جلسه بازپرسی مربوط به مرگ مشکوک کودک ۷ ساله

قصد کشتن «ویهان» را نداشتم

محمدجواد ابوعطا

گزارش

نامادری ویهان، کودکی که چند ماه قبل به طور مشکوکی در مشهد کشته شده و بعد از آن موضوع کودک‌آزاری نیز لو رفته بود، با دستور قاضی صادق صفری، بازپرس ویژه قتل، به شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی مشهد منتقل شد. در این جلسه بازپرسی، مقام قضایی اتهام قتل «ویهان» هفت‌ساله بر اثر مصرف قرص را مطرح و خطاب به نامادری اعلام کرد که نتایج سم شناسی و اقدامات کارشناسان پزشکی قانونی نشان داده که کودک قرص خورده است و این احتمال وجود دارد که بر اثر عوارض دارو جان باخته باشد. در این جلسه «نجمه.خ» فرصت داشت تا از خودش دفاع کند و به اتهاماتی که علیه او بود، پاسخ بدهد.

زن جوان پیچیده در چادر سورمه‌ای رنگ زندان، مقابل بازپرس ویژه قتل نشسته بود. او در پاسخ به اینکه آیا خودش قرص را به کودک داده است، مدعی شد که این کار را نکرده و قرص توی کیفش روی دراور بوده است.

من قرص را ندادم

مقام قضایی یک بار دیگر از متهم خواست تا حقیقت را بگوید که زن جوان باز هم مدعی شد که او قرص را نداده است. پاسخی که تبدیل به سؤال بعدی شد و قاضی صفری پرسید در لحظه حادثه به‌غیر از او و کودک هیچ‌کس دیگری در منزل نبوده است، باید یک نفر قرص را به کودک داده باشد که متهم سکوت کرد. در ادامه مقام قضایی اعلام کرد، مستنداتی وجود دارد که نشان می دهد او قرص را به کودک داده است، اما زن باز هم انکار کرد.

بله، کار من بود

در همین شرایط بود که قاضی صفری صوتی از تماس زن جوان با اورژانس در روز حادثه را پخش کرد که نشان می داد زن پس از تماس با اورژانس به صراحت اعلام کرده که بچه قرص خورده است. متهم با شنیدن این فایل صوتی بلافاصله از مقام قضایی خواست صوت را قطع کند و با صدای بلند گفت: صدا را قطع کنید، یادآوری خاطرات آن روز اذیتم می‌کند. بله، من قرص را دادم.

این موضوع اعتراض بازپرس جنایی را به همراه داشت و خطاب به زن پرسید: چرا از روز اول راستش را نگفتی؟ گذشته از فایل صوتی، تو همان روز در گوشی‌ات وارد گوگل شده‌ای و درمان تشنج را جست‌وجو کرده‌ای.

پدرش گفت گردن نگیرم

نامادری این بار مدعی شد که محمد (همسرش) از او خواسته چیزی را گردن نگیرد و این موضوع را مخفی کند. این موضوع تعجب قاضی صفری را به همراه داشت و پرسید که اگر همسرت این را به تو گفته، چطور از تو به خاطر مرگ فرزندش شکایت کرده است؟

زن برافروخته از اقدام همسرش با صدایی بلند گفت: دستش درد نکند، چهار سال بچه‌اش را جمع کردم این هم مزد زحمت‌هایم بود. ویهان را پیش خواهرهایش گذاشته بود، خودم گفتم بیاورد پیش ما. وقتی بچه را آورد، پدرش را دایی صدا می‌کرد. در این چهار سال یکی نگفت دستت درد نکند.

قرص را از کجا آوردی؟ زن در پاسخ به این سؤال، مدعی شد که قرص از همسرش بوده اما نتایج تحقیقات نشان می‌داد که قرص مخصوص کودکان بوده است و با طرح این موضوع، پاسخ داد: موقعی که ویهان تشنج کرد، شب بود. محمد من و بچه‌اش را توی روستا (توس ۹۷) رها کرده بود، بدون ماشین چطور می‌توانستم از خانه بیرون بروم و قرص بخرم. این‌ها خانوادگی سابقه تشنج دارند.

بازپرس جنایی پرسید: این قرص مخصوص کودکان است، چرا همسرت استفاده می‌کند؟

زن مدعی شد که نمی‌داند و از خود محمد باید بپرسید.

کودک، شرّی می‌کرد

در اینجا موضوع به سمت کودک‌آزاری که یکی دیگر از اتهامات پرونده است، کشیده شد. نتایج پزشکی قانونی نشان می‌دهد که سرتاپای کودک هفت ساله کبود بوده و جای سیگار داغ هم روی تنش دیده می‌شده است. از همه مهم‌تر موضوع بستن پای کودک با طناب بود، به طوری که جای طناب روی مچ هر دو پا سیاه شده بود و نشان می‌داد که مدت‌های زیادی این کودک مورد آزارهای جسمی شدید قرار گرفته است.

بازپرس جنایی از زن خواست تا درباره کودک‌آزاری توضیح بدهد که زن دوباره برآشفت و گفت: من کاری نکرده‌ام و بچه را نزده‌ام. نمی‌دانم چرا جای زخم سیگار دارد.

قاضی صفری پرسید: چرا پاهای بچه کبود است؟ این بار زن سعی نکرد نقش خودش را انکار کند و مدعی شد: ویهان گرایش به مواد داشت، پدرش او را معتاد کرده بود و هروقت سر بساط می‌نشست بچه هم دوروبرش می‌چرخید. جلو تلویزیون پایش را بستم که به سراغ پدرش نرود. خود بچه شرّی می‌کرد و پایش را سوزانده بود و من آن را پانسمان کردم. اصلا کاشکی ازدواج نمی‌کردم. بچه دو و نیم ساله بود که وارد خانه‌ام شد. من از عمد هیچ کاری نکرده‌ام.

بازپرس جنایی پرسید: از عمد کاری نکرده‌ای؟ پاهای کودک را چنان بسته‌ای که جای طناب روی پاهایش کبود است، کودک از سر تا پا جای زخم‌های کهنه دارد، چطور می‌گویی او را کتک نزده‌ای و به او رسیدگی هم می‌کرده‌ای؟

نمی‌خواستم ویهان را بکشم

زن که انگار پاسخی برای این موضوع نداشت، اظهار کرد که اگر می خواستم ویهان را بکشم، چرا به اورژانس زنگ بزنم. می‌توانستم بروم و قبرستان پشت خانه دفنش کنم. چرا روز اول آمدم اینجا و از شما خواستم اجازه بدهید تا جسد را برای دفن از پزشکی قانونی تحویل بگیرم که شما گفتید خدا خیرت بدهد، با اینکه نامادری هستی دنبال کارهای این کودک افتاده‌ای. قاضی صفری در پاسخ به این اظهارات گفت: اتفاقا احساس کردم که یک جای کار می‌لنگد و بلافاصله از پزشکی قانونی خواستم تا بدن کودک را معاینه کنند که گفتند سرتاپای کودک سیاه و کبود است و نشانه‌های کودک‌آزاری گسترده‌ای دارد. «من دیگر حرفی ندارم بزنم.» آخرین جمله زن بود. بازپرس جنایی در ادامه با اعلام اینکه باید درباره عوارض قرص و همچنین آثار کودک‌آزاری تحقیق شود تا دقیقا مشخص گردد که این‌ها می‌توانسته منجر به فوت شود یا نه؟ ادامه جلسه را به زمان دیگری موکول کرد.

پیوند ۴ تن به زندگی

خبر

دندانساز| در چند سال اخیر، دلیل مرگ‌های مغزی منجر به پیوند عضو در استان، با تغییراتی روبه‌رو شده است. یعنی اگر پیش از این دلیل بیشتر مرگ ها، ناشی از تصادف بود، حالا سکته‌های مغزی گوی سبقت را ربوده است. درواقع از زمانی که بستن کمربند و کلاه ایمنی موتورسواران اجباری شد، آمار مرگ مغزی‌های ناشی از تصادف ها کاهش یافت. اما در همین بازه زمانی، آمار مرگ مغزی ها نیز افزایش یافته که بیشتر آن ها به علت سکته های مغزی بوده است. تازه‌ترین جراحی اهدای عضو در بیمارستان منتصریه مشهد مربوط به یک زن شصت‌وپنج ساله مشهدی است که دچار سکته مغزی شده بود. سکینه خسرویان پس از رضایت خانواده‌اش در عمل اهدای عضو به چهارتن جان تازه بخشید. کبدا و به زنی چهل و هفت ساله ساکن سبزوار پیوند شد. قرنیه‌هایش نیز به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد ارسال و قسمتی از پوست مرحوم خسرویان به بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) فرستاده شد.

سوختن مرد مشهدی با گاز شهری

خبر

خراسان| برخی گمان می‌کنند حوادث تلخ فقط می‌تواند در مناطقی رخ بدهد که ساخت‌وسازهای غیرمجاز در آن وجود داشته باشد یا ساختمان هایش اصولی ساخته نشده باشد، اما اینکه در منطقه‌ای مثل بولوار صیادشیرازی خانه‌ای منفجر شود و مردی میان‌سال در شعله‌های آتش جان ببازد برایشان قابل هضم نیست، زیرا این افراد نمی‌دانند که کوچک‌ترین بی‌توجهی به مسائل ایمنی می‌تواند فجایع بزرگی رقم بزند.

با اعلام حادثه انفجار در یک آپارتمان در بولوار صیاد شیرازی، مأموران کلانتری شهرک فراجا به محل اعزام شدند. مأموران متوجه شدند که بخاری یک واحد این آپارتمان بر اثر نشت گاز شهری منفجر شده است. در این حادثه مردی شصت و شش ساله مصدوم و پس از انتقال به مراکز درمانی با وجود تلاش تیم پزشکی به علت شدت جراحات فوت کرد. در این زمینه پرونده قضایی تشکیل شد و اقدامات لازم به منظور مشخص شدن علت حادثه آغاز شده است.

عکس خبر

۲ حادثه انبارسوزی در نیم‌روز

خراسان| دیروز دو حادثه حریق به سامانه آتش‌نشانی مشهد اعلام و مشخص شد که دو انبار طعمه آتش شده است. حریق اول مربوط به یک کارگاه مبل‌سازی در طبرسی شمالی ۴ بود که برای اطفای آن نجاتگران از سه ایستگاه به محل اعزام شدند. با سرعت عمل امدادگران، آتش بدون خسارت جانی مهار شد. آتش‌سوزی دوم اما در انبار کابل در خیابان صاحب‌الزمان(عج) که بورس کالاها و لوازم برقی است، اتفاق افتاد. نجاتگران دو ایستگاه برای اطفای حریق راهی این خیابان شدند و با سرعت عمل توانستند از سرایت حریق به داخل انبار جلوگیری کنند و آتش، بیرون در انبار اطفا شد. در این دو حادثه به فردی آسیب نرسید، اما علت هر دو حریق درحال بررسی است.

جدول ۳۹۱۵

نظرها و انتقادهای خودرا درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹
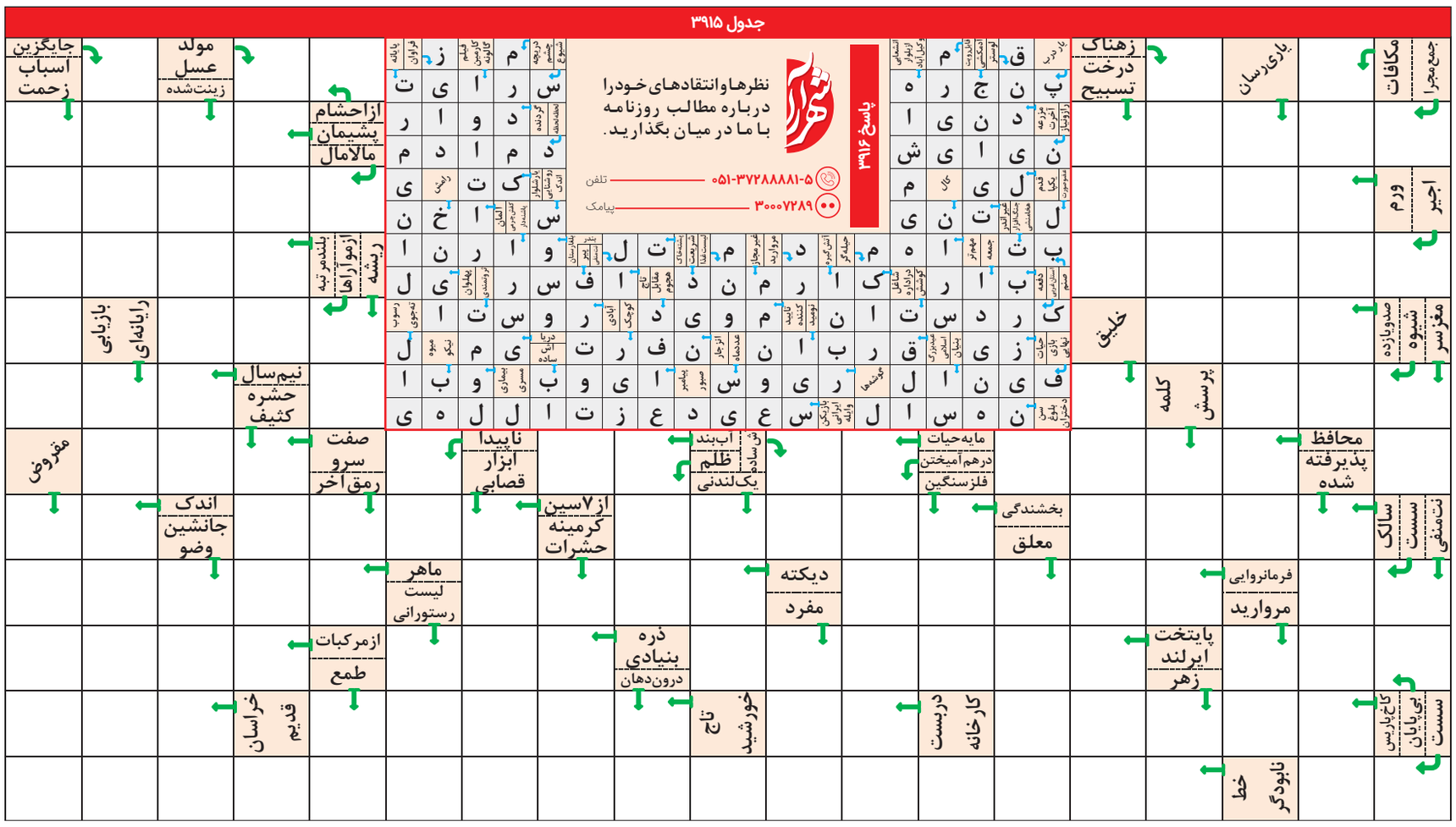
پاسخ ۳۹۱۴